



ضیا

## گیهای افغانستان را به افغانستان بگذار!!

محمد ضیاضیا ناشر هفته نامه "افق" استرالیا

در حال حاضر یکنوع مرض مُسری که بیشتر به خصلت حیوانی شباهت دارد، دامنگیر یک عده افراد جامعه شده است که متأسفانه علایم آشکار آنرا در وجود عده بی از هموطنان خود به ویژه کسانی که در کشورهای مرفه و از جمله در استرالیا به سر می برند، مشاهده می کنیم. نام این مرض یا این خصلت حیوانی در عرف و زبان ما و در عرف و زبانهای همه عالم انسانیت، بی تفاوتی، ناسپاسی و بی وفایی میباشد که برخ افراد آنرا در برابر خدا، وطن، مادر، پدر و درجه به درجه تا برادر، خواهر... کوچه، محل، شهر و کشور انجام میدهند.

انسانهای با احساس، با پاس و با وفای کشور ما که در ممالک پیشرفته و مرفه زیست دارند، آنها حتماً دیده اند و یا شنیده اند؛ به مجردی که از حال و احوال افغانستان، از بیچاره گیها و در به دری های ملت مظلوم ما که در آتش نمرود های زمان میسوزند و لشکر قارونها و فرعونهای زر و قدرت خونهای پاک پیران، جوانان، زنان و مردان وطن ما را بی رحمانه می ریزند و هزاران فتنه و تلبیس را اهریمنانه به حق مردم بلاکشیده ما روا میدارند و در همچو احوالی که پدرهای ما، مادر های ما، خواهران و برادران ما و بالآخره هزاران در هزار انسان وطن ما از بی نانی، بی لباسی، بی دوابی وده ها ضرورت های اولیه زندگی محروم اند، همین قماش مردمان بی پاس، بی تفاوت و بی وفا حتی از صحبت کردن در مورد افغانستان اظهار خسته گی میکنند و بدون معطلی میگویند: (مود ما را خراب نکنید، بگذارید که در فکر خود باشیم... یعنی در فکر (عیش و نوش) خود باشیم).

حال ازین آقایان ویا خانمهای بی پاس و بی تفاوتی که گذشته را به باد فنا داده اند، می پرسیم و ذهن مکدر شان را به آن روزهایی بر میگردانیم که وقتی آنها از شر (اکسا)، (خادیسها) وسازمانهای اولیه حزب دموکراتیک خلق افغانستان واز شر توپ ها و طیاره های بم افکن روسها به فغان رسیده بودند و با صدها مشقت خود را از افغانستان به کشور های ایران وپاکستان ... رسانده بودند و سپس از شر راکت های گلبدین و مقابله های سیاف با دوستم و مزاری و سایر جنگهای تنظیمی و همچنان از شر تنظیمی هایی که همه روزه ریش آنها را که از یک قبضه کمتر می بود به عنوان کافر جزا میدادند و خلاصه آنکه دوران جهنمی طالبان و چپاول حکومت کرزی را پشت سر گذاشته اند و یا هم آنها را که با صدها لیت و لعل و انواع دروغ و نیرنگ با استفاده از نام کشته شده گان و مظلومان، خود را به کشور های مرفه رسانده اند، آیا شرم نیست که در برابر حال و وضع موجوده عزیزان به خون خفته خود حد اقل یک بار هم اگر شود، فکر نشود؟

این قماش مردم بی درنگ میگویند؛ هفته نامه "افق" چه میگوید، حتماً بی کار مانده؟! مگر هفته نامه "افق" خبر ندارد که اینجا استرالیا یا جرمنی و امریکا ... است. اینجا دموکراسی است، کسی را به کسی کاری نیست. ( دلم، بایسکلم)...

این کسان متوجه باشند: اگر هر افغان در هر کجای دنیا کوچکترین بی حرمتی، بی پاسی و بی تفاوتی را نسبت به افغانستان ویا مردم افغانستان انجام میدهد، تاثیر سو و مضرت آن به همه افراد جامعه ما بر میگردد. مثال آفتابی آن:

هر گاه یک پدر به خدا پی که مردم به آن ایمان دارند ویا به فرهنگ و سنن پسندیده و علایق و مسئولیتهای فردی و جمعی مردم آن، بی پاسی و بی وفایی میکند، این مرض به فرزند همان شخص که فرزندان او بی تردید فرزند جامعه ما میباشد، سرایت میکند و مکروب نجس آن از طریق فرزند او به ده ها و صد ها جوان و نو جوان دیگر سرایت میکند.

و این هم یک مثال دیگر:

مادری چند تا فرزند دارد، این مادر حق مساوی بالای هر یک از فرزندان خود می داشته باشد. هر یک از فرزندان و وظیفه دارند که حق مادر شان را هیچ کسی پامال نکند. هرگاه یکی ازین فرزندان ناخلف براید و در برابر مادر نا سیاسی کند، سایر فرزندان حق دارند که برادر ناصالح شان را نسبت به بی حرمتی

بی که به مادر شان صورت گرفته، مطرود و نفرین کنند. عین حکم در برابر حق (مادر وطن) وحق (فرزندان) آن میباشد، که همه زاده همان خاک میباشیم.

هرگاه کسانی پیدا شوند که با آنچه گفته شد قناعت نداشته باشند، به این گفتار شیخ شیراز، سعدی پارسی سرای که قولش بر تارک سازمان ملل متحد به خط زرین نوشته شده، توجه بفرمایند:

**توکز محنت دیگران بی غمی      نشاید که نامت نهند آدمی**

وچه جای آنکه اگر کسی در برابر مادر، پدر، برادر، خواهر ... عزیزان وهم میهنانش بی غم، بی تفاوت و ناسپاس باشد. والسلام (ضیا)

**نظر شما چیست؟**